



امریکا روی یک توافق نامه‌ی تازه با طالبان کار می کند

دونالد ترامپ، رئیس جمهور امریکا در گفت و گوی تلفنی به تلویزیون فاکس نیوز این کشور از کار روی یک توافق نامه‌ی تازه با طالبان خبر داده است. آقای ترامپ در این گفت و گو بر کاهش نظامیان امریکایی از افغانستان تأکید کرده است.

رئیس جمهور امریکا افزوده: «در گذشته به یک توافق با طالبان نزدیک شده بودیم، اما از این که طالبان دست به کشتار انسان ها زنند، دیدار با مقام های این گروه را رد کردم.»

زلمی خلیل زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی وزارت خارجه‌ی امریکا برای صلح افغانستان ۹ دور با مقام های طالبان در باره‌ی صلح گفت و گو کرد. در آن زمان هر دو طرف تأکید داشتند، که به یک توافق صلح نزدیک شده اند.

اما پس از انفجاری در شهر کابل که در آن یک نظامی امریکایی کشته شد، دونالد ترامپ، رئیس جمهور امریکا گفت و گو با طالبان را متوقف و دیدار با مقام های این گروه را رد کرد.

ارگ ریاست جمهوری نیز گفته است، که رئیس جمهور امریکا در تماس تلفنی با رئیس جمهور غنی تأکید کرده که پیش از آغاز هر نوع گفت و گو باید آتش بس برقرار شود.

فیفا: اختلافات انتخاباتی پیامدهای سنگینی را در پی خواهد داشت

مسوولان در بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه‌ی افغانستان (فیفا) می گویند، که با ادامه اختلافات میان کمیسیون انتخابات و تکت های انتخاباتی، پروسه‌ی انتخابات از مسیر اصلی خود منحرف شده است. به گزارش خبرگزاری جمهور؛ مسوولان در کمیسیون انتخابات می گویند تا زمانی که روند بازشماری و تقطیش آراء در تمامی ولایات، تکمیل نشود، نتایج ابتدایی انتخابات ریاست جمهوری ششم میزان اعلام نخواهد شد.

عبدالعزیز ابراهیمی، سخنگوی کمیسیون انتخابات، دیروز شنبه (۲ قوس) به خبرگزاری جمهور گفته که روند بازشماری و تقطیش آراء در ۲۳ ولایت به طور کامل تکمیل شده است و این روند در ۴ ولایت جریان دارد و در ۷ ولایت دیگر این روند به دلیل اعتراضات هواداران برخی تکت های انتخاباتی آغاز نشده است. آقای ابراهیمی تأکید کرده: «تا زمانی که روند بازشماری و تقطیش آراء در تمام ولایات افغانستان تکمیل نشود، نتایج ابتدایی انتخابات ریاست جمهوری ششم میزان اعلام نخواهد شد.»

از سویی دیگر؛ حوا علم نورستانی رئیس کمیسیون انتخابات به رسانه ها گفته است، که اگر موانع در تقطیش و بازشماری آراء در هفت ولایت رفع نشود، او و بقیه اعضای کمیسیون، مجبور خواهند شد تا راه حل دیگری را برگزینند. اما نهادهای ناظر انتخاباتی از ادامه‌ی اختلافات میان کمیسیون انتخابات و تکت های انتخاباتی ابراز نگرانی کرده می گویند، که ادامه‌ی این اختلافات پیامدهای سنگین را در پی خواهد داشت.

یوسف رشید، رئیس اجرایی بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا) می گوید، انتخابات ریاست جمهوری به دلیل اختلافات میان کمیسیون و تکت های انتخاباتی از مسیر اصلی خود منحرف شده است. آقای رشید گفته است، دو بار تقویم اعلام نتایج ابتدایی انتخابات ریاست جمهوری از سوی کمیسیون نقض شده است و ادامه‌ی اختلافات اعلام نتایج ابتدایی را در زمان کوتاه مدت نیز ناممکن ساخته، که این امر پیامدهای سنگین سیاسی را در پی خواهد داشت.

جان باختن سه غیر نظامی در یک انفجار در کاپسا

منابع در ولایت کاپسا می گویند، که در نتیجه‌ی انفجار یک ماین کنار جاده‌ی در این ولایت سه غیر نظامی جان باخته و پنج تن دیگر زخمی شده اند. عبدالشایق شورش، سخنگوی فرمان دهی پولیس ولایت کاپسا می گوید، که این رویداد روز جمعه در بازار ولسوالی الهسای هنگامی رخ داد، که ماین جاسازی شده در کنار جاده، منفجر شد. به گفته‌ی آقای شورش، وضعیت زخمیان این رویداد خوب است و به شفاخانه انتقال یافته اند. ولایت کاپسا یکی از ولایات نزدیک به مرکز کشور است که از ولایات های نسبتا ناامن افغانستان به حساب می آید.

کش و قوس های انتخاباتی تا کجا ادامه خواهد یافت؟

صفحه ۲



۲۴ جنگجوی طالبان در ولایات جوزجان و کندز کشته شدند

افغان در ولایت کندز از ادامه‌ی درگیری ها میان نیروهای امنیتی و جنگجویان گروه طالبان در حومه های شهر کندز خبر می دهند.

قولاردوی ۲۱۷ پامیر مستقر در کندز با نشر اعلامیه ای گفته است، که تا کنون هشت جنگجوی طالبان در این ولایت کشته شده و شمار دیگر زخمی شده اند.

این قولاردو گفته است؛ نیروهای امنیتی و دفاعی افغان، عملیاتی را به هدف پاک سازی اطراف شهر کندز آغاز کرده و این عملیات ها تا پایان تصفیه حومه های این شهر ادامه خواهد داشت.

شماری از افرادش و روح الله پهلوان، ولسوال نام نهاد طالبان برای ولسوالی درزاب به گونه‌ی شدید زخمی شده اند.

سخنگوی والی جوزجان در مورد وارد شدن تلفات بر نظامیان افغان و غیر نظامیان در جریان این درگیری ها چیزی نگفته است.

مقام ها در ولایت جوزجان گفته اند، که عملیات نظامیان افغان از چندین روز بدین سو در بخش های ولسوالی درزاب آغاز شده و تا اکنون ادامه دارد.

ولسوالی درزاب در فاصله‌ی ۷۰ کیلومتری با مرکز جوزجان قرار دارد و از بخش های ناامن این ولایت به شمار می رود. همزمان با این، مقام های امنیتی و دفاعی

مقام های محلی ولایت جوزجان در شمال افغانستان از راه اندازی یک عملیات به هدف باز پس گیری ولسوالی درزاب این ولایت خبر داده، که به گفته‌ی آنان در جریان این درگیری ها، تلفات زیادی بر جنگجویان طالبان وارد شده است.

به نقل از صدای امریکا، معروف آذر، سخنگوی والی جوزجان دیروز شنبه (۲ قوس) به این رسانه گفته است، که در این عملیات نظامیان افغان، ۲۴ جنگجوی طالبان کشته شده و ۱۶ نفر دیگر زخمی شده اند.

آقای آذر افزوده: «مولوی نورمحمد، مشهور به ایوبی سرگروپ قطعه‌ی سرخ با

فصل مایوسی و ناامیدی؛ از اجرای «عدالت انتقالی» خبری نیست



صفحه ۱

«دخالت علنی امریکا و سفر جان کری به کابل»



صفحه ۱

گفت و گوی تلفنی ترمپ و غنی؛ گفت و گوهای صلح از سر گرفته می شود؟



صفحه ۱



کش و قوس های انتخاباتی تا کجا ادامه خواهد یافت؟

محمد نسیم نظری

کپ مردم

فصل مایوسی و ناامیدی؛
از اجرای «عدالت انتقالی»
خبری نیست

به تاریخ دهم جوزای سال ۱۳۹۶، از اثر یک انفجار مهیب و وحشت ناک در چهار راهی زنبق شهر کابل، نزدیک به ۱۰۰ نفر کشته و بیش از ۳۰۰ نفر زخمی شدند. پس از وقوع انفجار، شیشه‌های تعمیرهای اطراف چهار راهی، فرو ریخت و تکه‌های پوست و گوشت قربانیان که بیشتر آنان افراد ملکی بودند، صدها متر دورتر از محل حادثه، پراکنده شدند. دو روز پس از این رخداد، تصویر جریان انفجار که توسط یک کامره‌ی امنیتی ثبت شده بود، نشر شد. جریان انفجار به معنی واقعی کلمه وحشت ناک بود. نهیب مرگ و کشته شدن، از تصاویر نشر شده به خوبی حس می‌شد. تصاویر، تانکر مملو از مواد انفجاری را نشان می‌داد، که در یک چشم به هم زدن ساحه‌ی اطراف چهار راهی را ویران و موثرهای نزدیک‌اش را به هوا پرتاب کرد.

در روزهای پس از انفجار، منابع امنیتی اعلام کردند، که بالغ بر ۱۵۰۰ کیلوگرام مواد منفجره در تانکر آب، جاسازی شده بود، که در اثر انفجار آن حفره‌ی به عمق ۷ متر به وجود آمده است. قربانیان این انفجار تنها مردم ملکی و نظامی نبودند؛ سفارتخانه‌های نزدیک به محل حادثه، اماکن شخصی و دفترهای چندین رسانه‌ی داخلی آسیب جدی دیدند. براساس آمارهای ارائه شده از سوی رسانه‌ها و نهادهای بین‌المللی، در اثر این انفجار ده‌ها میلیون دالر خساره به بخش خصوصی و تأسیسات ملی و بین‌المللی وارد شد. پس از حادثه، هرچند تا مدت‌ها بعد، هدف انفجار معلوم نبود و مسوولیت آن را شبکه و یا گروهی به عهده نگرفتند، اما ریاست امنیت ملی کشور اعلام کرد، که این حمله توسط شبکه‌ی حقانی، به همکاری استخبارات پاکستان انجام شده است.

اگر از اتفاقات پس از رخداد، تجمعات اعتراضی و حواشی آن بگذریم، انفجار موتر بمب در چهار راهی زنبق شهر کابل، یک قتل عام عریان و جنایت هولناکی بود، که در نتیجه‌ی آن صدها فرد ملکی و نظامی به خاک و خون کشانیده شد. در کنار آن رخداد المناک، ده‌ها و صدها حمله‌ی تروریستی دیگر، که قربانیان اصلی آن جمعیت غیرنظامی بودند و هستند، از سوی شبکه‌ی حقانی و دیگر گروه‌های تروریستی در بخش‌های مختلف کشور انجام شده است.

حملاتی از این دست، پس از شکل‌گیری حکومت وحدت ملی بیشتر شد و آمار تلفات افراد ملکی و نظامی نیز چند برابر گشت. با وصف این جنایت‌ها، رهبری حکومت وحدت ملی اما در یک اقدام غیرمترقبه بر خلاف موضع‌گیری‌های قبلی، سه‌شنبه (۲۱ عقرب) اعلام کرد، که برای رهایی دو استاد دانشگاه امریکایی و زمینه‌سازی برای گفت‌وگوهای مستقیم صلح با طالبان، تصمیم به رهایی انس حقانی و دو زندانی دیگر این گروه و شبکه‌ی حقانی گرفته است. این تصمیم با واکنش‌های گسترده‌ی مردم مواجه شد؛ بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی با اعتراض بر این تصمیم، خواهان محاکمه‌ی این سه‌عضو گروه طالبان و شبکه‌ی حقانی از سوی دولت افغانستان شدند و عده‌ی محدود دیگر با استقبال از این تصمیم حکومت، نسبت به آغاز گفت‌وگوهای صلح ابراز امیدواری کردند. جریان تبادل، نزدیک به یک هفته طول کشید و پس از نشر خبرهای ضد و نقیض، سرانجام سه‌شنبه (۲۸ عقرب) منابع نزدیک به گروه طالبان تأیید کردند، که انس حقانی و دو زندانی دیگر طالبان به قطر منتقل شده و با دو استاد دانشگاه امریکایی افغانستان تبادل شده‌اند.

به هر حال تبادل صورت گرفت. بزرگ‌ترین زندانی شبکه‌ی حقانی و دو عضو گروه طالبان به‌بهانه‌ی آزادی استادان دانشگاه امریکایی افغانستان و زمینه‌سازی برای آغاز گفت‌وگوی مستقیم میان دولت و گروه

معاون کمیسیون مستقل انتخابات می‌گوید که پس از به پایان رسیدن روند بازشماری، در باره‌ی ابطال آرا تصمیم گرفته خواهد شد. عصمت‌الله مل، تأکید می‌کند که اگر نتایج همین ۲۴ ولایت همراه ما می‌بود، امید بود که در یک دو روز، روند قانونی را طی کنیم و نتایج نخستین را اعلان نمایم.

ریاست جمهوری به سوی بحران خطرناکی در حال پیشروی است، که اگر به زودی جلوان مسدود نگردد؛ احتمال بحران کلان فراگیر ملی به بالاترین حد آن وجود دارد. برای جلوگیری از بحران پیش‌آمده موارد زیر مهم است.

1- اتخاذ سیاست بی‌طرفی از سوی شورای نامزدان انتخابات به شمول دو دسته‌ی انتخاباتی که عملن در قدرت سیاسی شریک اند. تا زمانی که دسته‌های انتخاباتی بی‌طرفی‌شان را در پروسه‌ی انتخابات حفظ نکنند، احتمال تأمین شفافیت و تضمین تفکیک آرای پاک از ناپاک وجود ندارد. دسته‌های انتخاباتی باید تحت هر شرایط ممکن، بی‌طرفی‌شان را حفظ نموده و از نفوذ در درون کمیسیون و معاملات پنهانی‌شان دست بکشند تا مسوولان کمیسیون مستقل انتخابات در فضای

مسالمت‌آمیز بتوانند وظایف‌شان را انجام دهند. 2- نهادهای ناظر انتخاباتی باید براساس تعهد ملی از پروسه‌ی شمارش آرا به شکل دقیق نظارت نموده و نگذارند که دست‌های پنهان، این پروسه را به بحران ببرند. نهادهای ناظر باید با دقت تمام و بی‌طرفی کامل، تمامی موارد مشکوک و غیر شفاف را فهرست‌بندی نموده و در زمان مناسب، آن‌ها را با مردم افغانستان شریک سازند.

3- نهادهای ناظر بین‌المللی، مؤظف اند تا از تمامی روند شمارش آرا در درون کمیسیون مستقل انتخابات نظارت نموده و از تخطی‌ها در آن جلوگیری نمایند. این نهادها باید با بی‌طرفی کامل پروسه را دنبال نموده و از عدالت انتخاباتی در هر سطحی و تحت هر شرایطی دفاع نمایند.

4- رهبری کمیسیون مستقل انتخابات براساس تعهدات‌شان مبنی بر حفظ آرای مردم افغانستان و جلوگیری از تقلب‌های سازمان‌یافته، مکلف‌اند تا پروسه‌ی شمارش آرا را به شکل درست مدیریت نموده و به زودی نتیجه‌ی ابتدایی انتخابات ریاست جمهوری را همگانی نمایند.

تأخیر در اعلام نتیجه‌ی ابتدایی انتخابات می‌تواند کارنامه‌ی کمیسیون مستقل انتخابات را پر چالش ساخته و اعتبار آن را بیشتر از پیش مخدوش سازد.

ماه به این طرف انتخابات بوده است، دیگر ۲۴۰۰ صندوق خیالی را هم می‌خواهند که چه کند، یعنی واقعن می‌خواهد به طرف بحران برده شود. دیگر قانون و گپ و سخن نیست، همین امر حکومت است، که کمیسیون می‌خواهد چگونه آن‌را تطبیق کند. او ضمن انتقاد از نماینده‌ی سازمان ملل در افغانستان، او را متهم به رشورستانی و حمایت از دسته‌ی انتخاباتی مشخص نموده و تأکید کرد، که حتا سازمان ملل متحد نیز می‌خواهد شریک تقلب در افغانستان شود. او در این باره گفت: «نماینده‌ی سازمان ملل متحد، او هم‌رفته در استخدام حکومت قرار گرفته و مقابل مردم قرار گرفته، دیگر او هم بسیار اوضاع را خراب کرده، لهذا، انتخابات بسیار به مرحله‌ی خراب رسیده و این انتخابات اگر به همین شکل پیش برود، یقینن عامل بحران است.»

هم‌چنین جنرال عبدالرشید دوستم، معاون اول ریاست جمهوری نیز تأکید کرد، که رهبری حکومت نباید تلاش کند تا از طریق تقلب زمینه‌ی حضور خویش را دوباره در ارگ ریاست جمهوری فراهم سازد؛ اگر رییس‌جمهور غنی دوباره دست به تقلب برد، ما در مقابل او خواهیم ایستاد.

با این همه، اما مسوولان در کمیسیون مستقل انتخابات تأکید می‌کنند؛ تا زمانی که هفت دفتر ولایتی این کمیسیون دوباره باز نشود، این نهاد نمی‌تواند نتایج ابتدایی را اعلان و همگانی سازد. به گفته‌ی این مسوولان، این ولایات شامل فاریاب، سرپل، جوزجان، بدخشان، پنجشیر، بغلان و تخار بوده، که چندی قبل از سوی دسته‌ی ثبات‌وهمگرایی بسته شده‌اند و تا کنون برای کارمندان ساحوی کمیسیون مستقل انتخابات اجازه‌ی شمارش آرا در آن‌ها داده نشده است.

معاون کمیسیون مستقل انتخابات می‌گوید که پس از به پایان رسیدن روند بازشماری، در باره‌ی ابطال آرا تصمیم گرفته خواهد شد. عصمت‌الله مل، تأکید می‌کند که اگر نتایج همین ۲۴ ولایت همراه ما می‌بود، امید بود که در یک دو روز، روند قانونی را طی کنیم و نتایج نخستین را اعلان نمایم.

با این همه به نظر می‌رسد که پروسه‌ی انتخابات



«دخالت علنی امریکا و سفر جان کری به کابل»

«وزیر امور خارجه‌ی امریکا به تاریخ 10 جولای از چین به کابل آمد. نامبرده صبح فردای آن نزد رییس‌جمهور شتافت. او در ملاقاتش از ناحیه‌ی اعلام حکومت موازی توسط داکتر عبدالله اظهار تشویش نمود. روز بعد پس از ملاقات‌های که با دو نامزد ریاست‌جمهوری داشت، دوباره به ارگ آمده از پیشنهاد داکتر غنی مبنی بر تفتیش صد فیصد آرا به‌ما خبر داد. او اضافه کرد که تفتیش صد فیصد آرا زمان‌گیر است و شاید تا پایان ماه اگست به‌اتمام نرسد. رییس‌جمهور کزری در این صورت درباره‌ی سرنوشت قرارداد امنیتی پرسید. جان کری جواب داد: «آیا آقای حامد کزری قبل از جلسه‌ی سران ناتو حاضر به امضای قرارداد امنیتی نخواهند گردید؟» جواب رییس‌جمهور باز همان بود: آغاز عملی پروسه‌ی صلح به‌حیث پیش‌شرط! ولی آن‌چه که حامد کزری از آن بیم داشت، در حال واقع‌شدن بود: تأخیر در برگزاری مراسم تحلیف و مشخص‌شدن رییس‌جمهور منتخب که باید قدرت به‌وی سپرده می‌شد.

کشور در حالت سردرگمی قرار گرفته بود. با آن‌که ما در ارگ بودیم و حامد کزری رسماً رییس‌جمهور افغانستان بود، ولی به‌تدریج عنان از دست ما می‌رفت و شکل نظاره‌گر را اختیار می‌نمودیم. در واقعیت افغانستان با سرعت تمام به‌سوی بی‌حکومتی و انارشی در حرکت بود. در اوج این بی‌سرنوشتی «متیو روزنبرگ» نماینده‌ی روزنامه‌ی نیویارک تایمز در شماره‌ی ۱۹ سپتمبر طی مقاله‌ای نوشت، که گویا امکان انجام کودتا و تشکیل حکومت موقت از جانب تعدادی از وزرای کلیدی افغانستان به‌وجود آمده است. رییس‌جمهور ژورنالیست مذکور را به اتهام به‌مخاطره‌انداختن امنیت ملی و داشتن فعالیت‌های استخباراتی از کشور اخراج نموده، ممنوع‌الدخول قرار داد. ولی زمانی که داکتر اشرف غنی مقام ریاست‌جمهوری را احراز نمود، از اولین اقداماتش برداشتن این محدودیت از روزنبرگ بود...

جیمز دویز نماینده‌ی خاص امریکا برای افغانستان به تاریخ ۲۰ جولای جهت ملاقات نزد رییس‌جمهور آمد. رییس‌جمهور برای نخستین‌بار از زبان وی از کلیات موافقت‌نامه‌ی دو کاندیدا اطلاع حاصل نمود. جیمز دویز گفت داکتر غنی و داکتر عبدالله موافقه کرده‌اند، که هردو نتایج بیرون‌آمده از تفتیش آرا را می‌پذیرند، حکومت وحدت ملی را باهم می‌سازند، بعد از سپری‌شدن دو سال لویه‌جرگه‌ای را جهت ایجاد پست صدراعظمی فرا می‌خوانند، وزارت‌های سکتور امنیتی و اقتصادی را به‌گونه‌ی مساویانه با هم تقسیم می‌نمایند، برنده‌ی اول رییس‌جمهور شده و برنده‌ی دوم صلاحیت تعیین‌نمودن رییس‌اجرائی را خواهد داشت و غیره.

کار تفتیش و بازشماری آرا آغاز شده ولی با مشکلات و موانع زیادی مواجه گردیده بود. رهبری کمیسیون مستقل انتخابات و داکتر اشرف غنی شکایت داشتند، که افراد مسلح هم‌روزه داخل محوطه‌ی کمیسیون گردیده، زورگویی می‌نمایند و موانعی را بر سر راه بازشماری ایجاد می‌نمایند. آن‌ها از فضل‌احمد معنوی که ریاست تیم داکتر عبدالله را در این پروسه به‌عهده داشت می‌نالیدند. در جلسه‌ی شورای امنیت ملی که ناوقت شب با اشتراک یکی از کاندیداها یعنی داکتر اشرف غنی دایر شده بود، نام‌برده از بی‌نظمی و فیرهای هوایی در شهر، تهدید خازنوالان و کارکنان کمیسیون مستقل انتخابات توسط افراد مسلح مربوط داکتر عبدالله و جانب‌داری تعدادی از افسران پولیس از آنان شکایت نمود. نام‌برده در قسمتی از اظهارات‌اش خیلی احساساتی شده، مشت‌اش را روی میز کوبید و خطاب به یونس قانونی گفت: «قسم به‌خدا قانونی صاحب اگر چند مصاحبه‌ی دیگر به همین ترتیب شود، تمامی دست‌آورده‌های شما بر باد خواهد شد» وی اضافه نمود، که هیچ‌چیزی را در زیر فشار و تهدید قبول نخواهد کرد. اشاره‌ی وی به مصاحبه‌های آقای معنوی و سایر طرف‌داران داکتر عبدالله بود.

رییس‌جمهور از وزیر امور داخله، آقای داوودزی پرسید، چرا جلو گشت و گذار و فیرهای افراد آشوب‌گر در شهر نمی‌گیرد و چرا آمر امنیت پروان آقای سیدخیلی را که ریدا عظیمی معاون کمیسیون شکایات انتخاباتی را تهدید نموده بود، مورد بازپرس قرار نمی‌دهد و بالاخره چرا قاتل دربور خانم لیلا احراری، عضو کمیسیون مستقل انتخابات را بازداشت نمی‌نماید؟ آقای داوودزی در جواب با لهجه‌ی تهدیدآمیز خواستار استعفاد گردید و گفت: «لجام همه‌چیز از دستم رفته، من این کارها را انجام داده نمی‌توانم، مصلحت‌هایی دربین است.»

منبع: چهل‌سال در طوفان، عبدالکریم خرم، انتشارات اکسوس، سال ۱۳۹۸، صص 653-656

فصل مایوسی و ناامیدی؛ از اجرای «عدالت انتقالی»...

➔ ادامه سر مقاله



در جریان پنج‌سال حاکمیت حکومت وحدت ملی، هیچ قتل عام و فاجعه‌ای حکومت را وادار نکرد، تا در برابر جنون انسان‌کشی طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی، یک «نه» قاطع و جدی بگویند و به‌جای ادامه‌ی تلاش‌های ناکام و بی‌نتیجه‌ی آشتی‌جویانه و تقلا برای شریک‌شدن در پروسه‌ی صلح، از موضع قدرت با گروه‌های هراس‌افکن برخورد کند.

شوند و فرهنگ مکافات و مجازات در دستگاه دولت نهادینه گردد. متأسفانه اما چنین نیست؛ عدالت انتقالی سرنوشت و سرگذشت خنده‌آوری دارد و بحث حقوق بشر بیشتر در قالب شعار باقی مانده است. دقیق در بستر چنین یک وضعیتی است، که بزرگ‌ترین جنایت‌کاران در بند حکومت، در پیش چشمان مردم آزاد می‌شوند و جنایت‌های گروه‌های تروریستی نادیده گرفته می‌شود.

و وحشت‌آفرین شد، گروه‌های هراس‌افکن مناطق بیشتری را تصرف کردند و ناامیدی بر روند زندگی مردم این سرزمین تأثیرات ناگواری برجای گذاشت.

در این میان دریغ و درد این است، که حکومت و بسیاری از حامیان بین‌المللی‌اش به‌جای این‌که به‌دنبال اجرای عدالت بر دشمنان مردم افغانستان باشند، به‌دنبال کلید گم‌شده‌ی صلح اند. ساکنان افغانستان توقع داشتند و دارند، که حداقل آنانی‌که مردم را شکنجه‌ی جسمی و روحی کرده، محاکمه

انجامید.

بر بنیاد گزارش‌های رسمی، تلفات افراد ملکی در جریان حکومت وحدت ملی، افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته و گراف قربانیان نیروهای ارتش نیز رقم سرسام‌آور و شوک‌دهنده‌ی را نشان می‌دهد.

فشار روانی ناشی از چنین وضعیت، بر ساکنان این سرزمین غیرقابل توضیح است. در جریان حاکمیت حکومت وحدت ملی فضای عمومی جامعه سردرگم

گفت‌وگوی تلفنی ترمپ و غنی؛ گفت‌وگوهای صلح از سر گرفته می‌شود؟

✍ فداحسین نجفی

ارگ ریاست‌جمهوری از مکالمه‌ی تلفونی میان رییس‌جمهور افغانستان و امریکا طی اعلامیه‌ای در صفحه‌ی فیسبوک ارگ ریاست‌جمهوری خبر داده است. طبق خبر نشر شده در صفحه‌ی فیسبوک ریاست‌جمهوری، روابط افغانستان با امریکا در حال بهبودی است. دونالد ترمپ رییس‌جمهور امریکا طی تماس تلفونی به رییس‌جمهور غنی از دولت افغانستان بابت همکاری همه‌جانبه در قبال آزادی دو استاد دانشگاه امریکایی از چنگ طالبان استقبال کرده است. در این تماس تلفونی از رییس‌جمهور افغانستان به امریکا دعوت شده است.

این دعوت درست زمانی صورت می‌گیرد، که عمر حکومت وحدت ملی پایان یافته است. شاید اگر نتیجه‌ی انتخابات طبق موعد معینه اعلام می‌شد، حالا رییس‌جمهور جدید به‌جای محمد اشرف غنی به امریکا دعوت می‌شد. حالا که انتخابات به‌جریان رفته و کمیسیون انتخابات توان اعلان نتایج را ندارد، این اشرف غنی است، که برای ماندن در قدرت زمینه‌سازی می‌کند. در طی 5 سال عمر حکومت وحدت ملی به‌رهبری شخص اشرف غنی، لابی‌گری و تلاش‌های بسیاری صورت گرفت تا زمینه‌ی ملاقات رییس‌جمهور غنی با رییس‌جمهور امریکا فراهم شود، اما این تلاش‌ها همیشه بی‌نتیجه و بدون دست‌آورد بود. بعد از آزادی انس حقانی برادر رهبر شبکه‌ی حقانی و دو عضو گروه طالبان از زندان بگرام و تبادل‌های این دو فرد با دو استاد دانشگاه امریکایی افغانستان دونالد ترمپ شخص به اشرف غنی تماس گرفته و از رییس‌جمهور غنی برای سفر به امریکا دعوت کرده است.

صدیق صدیقی، سخنگوی ریاست‌جمهوری در گفت‌وگو با رسانه‌های داخلی این خبر را تأیید کرده است، اما در باره‌ی این‌که این سفر چه‌زمانی صورت خواهد گرفت، وضاحت نداده است. آقای

او تلاش‌های صلح را زمانی مثبت و موثر می‌داند، که مدیریت آن به‌دست حکومت افغانستان باشد.

خلیل‌زاد در طی یک‌سال گذشته تلاش بسیاری انجام داد تا مذاکرات مستقیم میان گروه طالبان و دولت افغانستان صورت گیرد، اما طالبان هر بار به این خواست خلیل‌زاد جواب منفی داد. در این

دیدارها گروه طالبان با نمایندگان امریکا روی یک سلسله موضوعات به تفاهم رسیدند. اما خلیل‌زاد نتوانست/نخواست نمایندگان حکومت افغانستان را



آزادی این افراد استقبال کردند. رییس‌جمهور غنی در بیست‌ویکم عقرب در یک نشست خبری گفت، که تصمیم آزادی این افراد را در مشورت کامل با همکاران بین‌المللی افغانستان به‌ویژه ایالات متحده‌ی امریکا گرفته است. حال گذر زمان نشان خواهد داد، که افغانستان با آزادی فرد کلیدی شبکه‌ی حقانی و دو عضو گروه طالبان به چه فرصت‌ها و امتیازاتی دست پیدا می‌کند.

بررسی تجربه و تأثیر نظام «جمهوری اسلامی ایران» بر افغانستان

تأثیر تحولات کشور همسایه

یک امر طبیعی است. اما

تأثیر تحولات و اراده‌ی

کشورهای همسایه در افغانستان

مستقیم و غیرعادی است.

مثلن؛ گلاس‌نوست و پروستریکا

شوروی باعث شد، که حکومت

نجیب سقوط نماید. مجاهدین

در کابل وارد شوند. مداخله‌ی

پاکستان، طالبان را آورد.

ادامه‌ی مداخله‌ی آن کشور

باعث شد، که صدها کشور جهان

نتوانند، امنیت و زندگی را در

افغانستان برگردانند.



اما در تجربه‌ی چندین دهه حکومت‌داری اسلام شیعه، هیچ تئوری روشن برای این نظریه، ارائه نشده است. در این عرصه نیز بیشترین تجربه، قوانین و تعاملات اقتصاد خصوصی و دولتی و تجربه‌ی کشورهای غیردینی و به‌خصوص غربی، استفاده شده است.

سوم- تجربه‌ی فرهنگی: یکی از دست‌آوردهای مهم تأثیرات فرهنگی؛ انسان دوستی، معنویت، اخلاق و مدنیت در روابط انسانی است. شاید هرگز معنویت، اخلاق انسانی و مدنیت جامعه‌ی ایران اسلامی و مدیران حکومت اسلامی آن با اخلاق و مدنیت انسانی، مردم، جامعه و حکومت‌های غیراسلامی و مدرن در دنیای امروز، مثلن اروپایان قابل مقایسه نباشد. مدارا، مدنیت و اخلاق انسانی در روابط اجتماعی خود ایرانیان، در ایران به کنار، تقریباً هیچ مهاجر بیگانه و خارجی نباشد، که با چشم‌گریبان از تحقیر ایرانیان مسلمان، از ایران خارج نشده باشد.

چهارم- تجربه‌ی سیاسی: از لحاظ تأمین آزادی‌های سیاسی احزاب دیگر اندیش و آزادی فعالیت‌های سیاسی افراد، حکومت اسلامی در ایران از اکثریت کشورهای اسلامی دموکرات‌تر است. اما در مجموع ظرفیت حکومت اسلامی در ایران از این جهت نسبت به کشورهای مدرن و معیارهای امروزی حقوق بشری، بی‌نهایت ضعیف و مستعد تحول اساسی به نفع آزادی‌های انسانی و دموکراتیک نیست.

مهم‌ترین وجه سیاست در حوزه‌ی کلان سیاسی و ملی «استقلال سیاسی» است. استقلال سیاسی زمانی ممکن است، که از لحاظ اقتصادی یک کشور مستقل و بی‌نیاز باشد. ایران از نظر اقتصادی به دلیل داشتن نفت، کشور ثروتمند منطقه است. اما روابط و تعامل زندگی جهان معاصر، به‌گونه‌ای دردم تنیده که هیچ کشور نمی‌تواند، بدون ارتباط و تعامل با جهان ادامه‌ی حیات بدهد. ایران اکنون از نظر تصمیم‌گیری‌های ملی مستقل، قابل تقدیر و ستایش است. اما سیاست‌های ایران به‌گونه‌ای است، که اکنون در انزوای روابط و معاملات اقتصادی در جهان با مرگ دست و پنجه می‌زند.

اروپا، روسیه، چین، ترکیه، اندونزی و ده‌ها کشور دیگر در جهان، مستقل اند و بیشتر از ایران، منافع آمریکا را تهدید می‌کنند. اما ایران بدون این‌که وسیله‌ی قوی در روابط بین‌الملل داشته باشد، به جنگ آمریکا رفته است. تحریم اقتصادی در روابط کنونی جهان، خود جنگ آشکار برای سرنگونی یک حکومت است؛ جنگی که آمریکا برای سرنگونی حکومت مستقل ایران به راه انداخته است. البته که آمریکا ماهیت مداخله‌گر و برای حمایت از منافع خود به هیچ قوانین انسانی و بین‌المللی پای‌بندی ندارد. اما سیاست‌های حکومت موجود ایران، این کشور را در موقعیتی قرار داده است، که با آمریکا در واقع دو لبه‌ی یک فیچی است، که زندگی مردم و آرامش منطقه‌ای وسیع از کشورهای اسلامی را اسیر نموده و به‌مخاطره انداخته است.

نتیجه‌گیری: جمهوری اسلامی در ایران چه بماند و چه برود؛ تجربه‌ی مهم بود/است. این تجربه نشان می‌دهد، که برای کشورهای اسلامی در طی نیم‌قرن اخیر، اسلام سیاسی نه شیعه و نه سنی، ظرفیت و توان فکری برای ایجاد جمهوری با پسوند اسلامی را ندارند.

مرحوم شریعتی، بازگان، مطهری، خمینی و دیگران بر احزاب اسلامی شیعه و سنی در افغانستان به دلیل زبان مشترک و فرهنگ مشترک از هر لحاظ نامحدود است. در نتیجه می‌توان گفت، که اسلام سیاسی در ایران، برای ایجاد تشکل احزاب اسلامی، حضور آن‌ها در میدان سیاست و اطمینان به نفس مبارزه، برای ایجاد حکومت اسلامی در افغانستان موثر بوده است. اما این‌که این تأثیر تا چه حد بوده و تا کجا ادامه خواهد یافت، معطوف به این است، که اساسن اسلام سیاسی، چگونه تجربه‌ی حکومتی و دست‌آوردهای موفق در ایران داشته، که برای حکومت‌داری، مدیریت و اسلامی‌شدن فرهنگ و سیاست در افغانستان آموزنده و قابل تأمل باشد.

تجربه و دست‌آورد حکومت اسلام شیعه در ایران یکم- تجربه‌ی حقوقی: از لحاظ حقوق مدنی و حقوق اساسی هنوز هم نظام سیاسی اسلام شیعه، به تناسب زمان و تحولات علمی-حقوقی در مناسبات انسانی و حکومتی به سمت تغییر و بازنگری اساسی قرار دارد. هرچند تمام علوم بشری به تناسب زمان، تحول‌پذیر است. اما هرگونه تحول از این دست در علوم بشری ممکن است؛ نه در نوع فهم دین که نظام حقوقی آن تکلیفی و تعبدی است. یک‌بار در زمان مرگ آقای خمینی اصلاحات مهم در قانون اساسی آوردند. در قوانین مدنی و فقهی از آغاز جمهوری اسلامی تاهنوز تغییرات زیاد براساس اجتهاد و مصلحت اجتماعی و حکومتی آمده است. با وجود این، اکنون تأمین حقوق اساسی مردم ایران، مثل حقوق زنان، حقوق مدنی، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی با حکومت «ولایت مطلقه‌ی فقیه» در تقابل مطلق قرار گرفته است. تقابلی که با اصلاحات اندک، امکان حل آن وجود ندارد. به‌طور مثال، تقابل و تضاد بنیادی میان حکم حکومتی ولایت فقیه با رأی و انتخاب مردم وجود دارد. از طرف دیگر در اجرای سیاست‌های کلان ملی که مهم و سرنوشت‌ساز است، حکم حکومتی «ولایت مطلقه‌ی فقیه» بر انتخاب مردم و رییس‌جمهورانتخابی، مقدم است.

اگر تأثیرات نظام‌های حقوقی معاصر غیراسلامی و به‌خصوص (حقوق رومن-ژرمن) را از نظام حقوقی و سیاسی اسلام شیعه در ایران بر داریم، چیزی برای الگوپذیری از حقوق اسلامی، چه در بعد حکومت‌داری و چه از لحاظ حقوق مدنی، وجود ندارد.

دوم- تجربه‌ی نظام اقتصادی: چنان‌چه رهبران فکری جمهوری اسلامی ادعا می‌کردند، اصل نظام اقتصاد اسلامی همان نظام مختلط دولتی و خصوصی است.

از ادبیات گرفته تا مسایل تئوریک، شاگرد حزب توده‌ی ایران بود. هم‌چنین جریان‌های مذهبی چه سنی و چه شیعه، هیچ‌گاهی مرکزیت ملی افغانی نداشته است، هرچه بوده از نظر فکری و فرهنگی وابسته‌ی کامل کشورهای اسلامی بوده است. در هیچ‌کجای دنیا چنین کشور فلاکت‌زده‌ای وجود ندارد، که هیچ استثنایی از هر جهت، در وابستگی و درماندگی متأسفانه نداشته باشد. واقعیت این است، که افغانستان از هر جهت، قلمروی ملک فرهنگی و سیاسی کشورهای همسایه است.

تأثیر تحولات کشور همسایه یک امر طبیعی است. اما تأثیر تحولات و اراده‌ی کشورهای همسایه در افغانستان مستقیم و غیرعادی است. مثلن؛ «گلاس‌نوست و پروستریکا» در شوروی باعث شد، که حکومت نجیب سقوط نماید. مجاهدین در کابل وارد شوند. مداخله‌ی پاکستان، طالبان را آورد. ادامه‌ی مداخله‌ی آن کشور باعث شد، که صدها کشور جهان نتوانند، امنیت و زندگی را در افغانستان برگردانند.

ایران از لحاظ فرهنگی و تمدنی یکی از بزرگ‌ترین کشورهای همسایه‌ی افغانستان است. نقش ایران در سیاست و امنیت منطقه‌ای ما قابل توجه است. هم در آرامی و هم در ناامنی. یکی از «عناصر امنیتی» در دنیای امروز، وسیله‌ای به نام «دین، سیاست و فرهنگ» است، که ایران به خوبی از آن‌ها برای تأثیرگذاری استفاده نموده است. تأثیر سیاسی و فرهنگی ایران در افغانستان نیز غیرقابل انکار است.

ایجاد نوع نظام اسلامی در ایران، به تناسب توان و ظرفیت فکری خود، در مناطق خاصی از کشورهای جهان تأثیرات مهم گذاشته است. طبیعی است این توان و ظرفیت فکری در برابر تحولات پیوسته‌ی فرهنگی، علمی و تمدنی در حوزه‌ی اندیشه‌ی انسانی، موقتی و مقطعی است.

در نیم‌قرن اخیر، دو جریان فکری با شباهت‌های زیاد عقیدتی، فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیکی؛ اسلام سیاسی را بنیاد گذاشتند. اخوان‌المسلمین و اسلام شیعه‌ی ایرانی. اخوان‌المسلمین بنا بر دلایلی نتوانست، در کشورهای اهل سنت حکومت اسلامی را ایجاد نماید. هرچند توانست تفکری را احیاء نماید، که براساس آن، احزاب اسلامی برای ایجاد حکومت اسلامی در برخی کشورهای اسلامی از جمله در افغانستان شکل بگیرند.

اما اسلام سیاسی شیعه در ایران، توانست برای چندین دهه حکومتی را براساس تفکر دینی و مذهبی تجربه نماید. تأثیر بنیان‌گذاران اسلام سیاسی شیعه، مثل

محمد رفیق رجاء

نزدیک به یک‌هفته می‌شود که «جمهوری اسلامی ایران» در آتش خشم مردم گرفتار شده است. این‌که این خشم به آرامی و موقتی فرو می‌کاهد یا دولت موجود را می‌سوزاند؛ نشانه‌ی روشنی از فروپاشی حکومت اسلامی به چشم دیده نمی‌شود. اقتدار حکومت اسلامی به سپاه پاسداران، ارتش و نیروی انتظامی خلاصه نمی‌شود. حکومت موجود حمایت مساجد در هرکوجه، محله و قریه پایگاه‌های میلیون‌ها بسیجی را پشت سر دارد، که با اعتقادات مذهبی به دفاع از این حکومت به میدان خواهند آمد. به همین دلیل گفته شد، که نشانه‌ی سقوط حکومت اسلامی در ایران همین اکنون وجود ندارد. اما ناراضیانی میلیون‌ها ایرانی و سیاست نظامی و اقتصادی حکومت موجود، می‌تواند راه را برای سقوط نظام موجود هموار سازد. مهم و مفید برای افغانستانی‌ها، بحث بر سر تجربه‌ی حکومت اسلام شیعه در ایران است. حداقل از این لحاظ که سال‌ها است، افغانستان در آتش جنگ احزاب اسلامی و یا به‌نام اسلام و حکومت دینی می‌سوزد. بیش از چند دهه است، که محافل اندک فکری و فرهنگی در افغانستان، در بحث جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی، اقتصاد اسلامی، مدیریت اسلامی، اخلاق اسلامی و در کل تجربه‌ی اسلام سیاسی گیر مانده‌اند.

چگونگی تأثیرگذاری ایران در افغانستان بحث مفصل است، که این نوشته ظرفیت بیان آن‌را ندارد. اما در این‌جا فقط اشاره و اعتراف بر نوع تأثیرگذاری ایران مثل پاکستان بر افغانستان است، که بدون هیچ حد و مرزی جاری بوده است. سپس به‌طور مختصر، تجربیات نظام سیاسی اسلامی در ایران را از چند لحاظ به‌طور مختصر و کلی، توضیح خواهیم داد.

هرگونه تحولات در کشورهای همسایه بر «افغانستان بی‌ثبات و فقیر» نقش مستقیم داشته و دارد. به‌خصوص این‌که افغانستان تحت تسلط حکومت‌های قبیلوی از هر لحاظ به کشورهای همسایه وابسته مانده است. از نظر مذهبی، کتاب‌های مذهبی و ملاحی افغانی یا از پاکستان و عربستان می‌آیند و یا از ایران. فرهنگ، اقتصاد و سیاست پاکستان و ایران که تقریباً مستقیم و بی‌کدام تعدیل و «افغانیزه‌شدگی» بر حیات فرهنگی و زندگی مردم افغانستان موثر است.

جریان‌های ایدئولوژیک چپی و یا مذهبی بلا استثناء وابستگی فرهنگی به کشورهای همسایه داشته و دارند. به‌طور مثال جریان حزب دموکراتیک خلق افغانستان